

Influence of the Quran's Anthropological Components on Modern Islamic Civilization, Based on Allameh Misbah Yazdi's (may his grave be sanctified) Viewpoints

Sayyed mojtaba jalali *

Received on: 29/09/2023

Accepted on: 08/03/2024

Abstract

Purpose: The purpose of this paper, made by an approach to Allameh Misbah Yazdi's (may his grave be sanctified) Islamic thoughtful words, is to identify the anthropological elements and components of the Quran to shape modern Islamic civilization and its influence on this field.

Methodology: The research was made qualitatively, on a descriptive and analytical method. In terms of purpose, the research is fundamental, so the research results are efficient in drawing the Quran's anthropological components to shape modern Islamic civilization. The research was made by a library method, describing various propositions from religious evidence, data gathering via referral to written documents in books, articles, journals, and online searches among reliable resources.

Findings: The research findings imply that for the Quran's anthropological components, with modern Islamic civilization, from Allameh Misbah's viewpoints, four items can be inferred, self-knowledge, prosperity, human collective identity, and Islamic civilization. Concerning self-knowledge, discipleship, and its evolution, the interaction of the Self and action, and the influence of the Self dimensions on the elements and obstacles of discipleship are influential insightful, and impulsive damages. For discipleship disasters and struggling with them, the issues of negligence, attachment to temporal pleasures and healing them, the need for a moralist, the influence of a friend, and the necessity of a study plan are significant. For the contradiction between the Self and action, and human being's quarrel with the Self, there is an opponent, called the Self; in the journey of culture and civilization, the invocation of wisdom and science can be a key to the challenge of good and evil. For the component of prosperity, the relativism of prosperity, the relation between prosperity and action as elements for achieving prosperity, the Quran's evidence, obedience to the Prophets, and the truthfulness and innateness of prosperity play a significant role in civilization.

* Assistant Professor, Department of Islamic Education, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord Branch, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

(Corresponding Author).

s.m.jalali@sku.ac.ir

 0000-0002-3435-5817



Concerning human collective identity, individual relationship with society is considered in 5 fields, including pure constructs, skills, industries and inventions, real sciences and knowledge, the constructs with real origin (religious, moral, and legal values), and social powers; human personality and social perfectibility depend on the social elements of heavenly prosperity, the role of environment in human behavior, sanitation ways, and two-dimensional view. For Islamic civilization and its link with anthropological components, besides two functions, attracting public collaboration and Ummah (economic, social, political, and cultural) empowerment, and reducing responsibilities, Islamic civil society has some features such as 1) paying public rights; 2) utilizing thoughts to amend and improve methods and planning; 3) preventing social administrative evils, and preventing public injustice; 4) the public guidance and training; 5) fulfilling social obligations, and enjoining the good and forbidding the wrong, etc. For enjoining the good, people's responsibility over each other, and the requirement of monitoring mutual behavior imply the fact, which is available partially in civilized societies, with different degrees of civilization. The significance of identifying these human-related components and beliefs, and acquaintance with their influence on modern Islamic civilization may play an undeniable role in drawing objectives, and the content of civilized systems and policies.

Conclusion: Islamic civilization is a set of customs, manners, rules, and principles of life, based on human innate to provide the best conditions for flourishing talents to proceed in the monotheistic direction. In recent years, disregarding Islamic values and the influence of the West has led to the decline of traditions and the spirit of civilization in Islamic society. concerning the Quran's anthropological components, with modern Islamic civilization from Allameh Misbah's viewpoints, realization and presence in divine future-making is impossible without self-knowledge, so self-knowledge will emancipate people from material constraint and lead to their role-playing in God's excellent objectives for mankind. For prosperity, the truth of human happiness depends on permanent and comprehensive pleasure, so the content of civilization is a culture, rooted in the beliefs and values, and Islamic civilization is realized when a better context is created to achieve piety, leading to social prosperity. For human social perfectibility, the mutual relationship between people and their society, bolstering the foundations of social power, and social sanitation, with appropriate approaches, can facilitate the realization of an Islamic advanced and civilized society significantly. For Islamic civilization, considering Islamic values, and dealing with the influence of foreign culture has led to traditions reception and civilization spirit in Islamic society, reviving the society, leading to people's attention and accountability, accordingly, return to Islamic civil society and promoting it to a modern Islamic civilization.

Keyword: Misbah Yazdi, Self-knowledge, Prosperity, Collective Identity, Modern Islamic Civilization.

تأثیر مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن در تمدن‌سازی نوین اسلامی با تکیه بر دیدگاه علامه مصباح یزدی (ره)

سیدمجتبی جلالی *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

چکیده

تمدن نوین اسلامی به دنبال نهضت‌های اسلامی و جنبش بیداری اسلامی، ذهن اندیشمندان اسلامی را به خود متوجه ساخته است. با توجه به اهمیت مهندسی تمدن نوین اسلامی و بایستگی استخراج علوم انسانی از قرآن، جایگاه تربیت محوری تمدن اسلامی و اینکه علامه مصباح مباحث تأثیر گذاری در تمدن اسلامی ارائه کرده‌اند، سؤال پژوهش چیستی مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن در تمدن‌سازی اسلامی با تکیه بر دیدگاه علامه مصباح یزدی است که با روش توصیفی تحلیلی و با هدف شناسایی ارکان تمدنی و تأثیر آن در تمدن نوین اسلامی به استخراج و استنباط مؤلفه‌های انسان‌شناختی در حوزه الهیات و ارتباط آن با تمدن‌سازی پرداخته است. در حوزه مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن در پیوند با تمدن‌سازی نوین اسلامی می‌توان از چهار محور؛ نفس‌شناسی، سعادت، هویت جمعی انسان و تمدن اسلامی یاد کرد که با تعامل نفس و عمل و رفع مانع سلوک و استمداد از عقل و علم، تکامل و سعادت حاصل گردیده و تأثیر افراد واجد این شاخصه‌ها در هویت جمعی با تداوم خود ارزیابی مستمر، توجه به ارزش‌های اسلامی، باعث اقبال به سنت‌ها و روح مدنیت در جامعه اسلامی و منجر به ایجاد تمدن نوین اسلامی خواهد شد.

کلمات کلیدی: مصباح یزدی، نفس‌شناسی، سعادت، هویت جمعی، تمدن نوین اسلامی.

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد،

ایران. (نویسنده مسئول)

s.m.jalali@sku.ac.ir

0000-0002-3435-5817



بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران با هدف احیای تمدن اسلامی و بر پایه‌ی آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص)، پا به عرصه گذاشت و با تأسیس جمهوری اسلامی ایران زمینه را برای تمدن‌سازی اسلامی فراهم آورده است. از الزامات این طرح سترگ، فراهم آوردن زمینه‌های معرفتی و عملی و برداشتن موانع بر سر پیمودن این راه پر پیچ‌وخم است.

بازکردن گره‌های معرفتی و پاسخ‌دادن به شبهات اندیشه‌ای، از شاخص‌ترین اقداماتی بود که نظام نوپای اسلامی در این زمینه باید به آن می‌پرداخت. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) از آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی بر این وظیفه تأکید می‌ورزیدند و جانشین شایسته‌ی ایشان، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای بارها ضرورت آن را با تعبیرهای گوناگونی مانند انقلاب فرهنگی، اسلامی کردن دانشگاه‌ها، مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانگان، مهندسی فرهنگی و سبک زندگی اسلامی تبیین فرموده و اندیشمندان فرهیخته نیز در این راه تلاش‌هایی تحسین‌برانگیز داشته‌اند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۱۲).

شناخت انسان از ابتدایی‌ترین گام‌های علوم انسانی است که در موضوع تمدن‌سازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا رکن مهم تمدن، انسان بوده و نگرش‌های انسان‌شناختی هر تمدن، از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های آن به شمار می‌رود. شناخت انسان از چند جهت حائز اهمیت است؛ نخست آنکه خودشناسی از بهترین راه‌های خداشناسی و انسان‌شناسی از بهترین راه‌های پی‌ریزی تمدنی الهی است و میان این دو، ملازمه وجود دارد، ضمن آنکه اثر خودشناسی در شناخت نیاز و استعدادیابی و همچنین روش‌شناسی، می‌تواند به بنا شدن تمدن برتر انسانی بینجامد؛ چنانکه خدای تعالی در این باره می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» و مانند کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا هم آنان را دچار خودفراموشی کرد اینان همان فاسقان‌اند» (حشر / ۱۹) زیرا انسان با اهتمام بر شناخت روح و روان خود، به جاودانگی‌اش پی برده و طبیعتاً تمدن موردنظر او نیز ابعاد گسترده‌تر و واقعی‌تری خواهد یافت؛ همچنانکه رسول اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» هرکه خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است» (جعفر بن محمد (ع)، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳). در واقع تمدن اسلامی مجموعه مواردی است که از فرهنگ اسلام و از سوی دیگر از ترکیب دستاوردها و تجربه‌ی

ملت‌های دیگر در عرصه‌ی تاریخ و جغرافیای اسلام نشأت گرفته و مسلمانان در نوآوری و رشد آن سهم بسزایی داشته‌اند. براین اساس به نظر می‌رسد که ریشه‌های تمدن اسلامی هم در تاریخ و هویت تمدن بشری و هم در حیات پرمایه‌ی اسلام نهفته است. این رویکرد در تقابل با اندیشه‌ی سکولار و مادی‌گرایانه جریان‌هایی است که بر این باورند که تمدن به معنای پیروزی عقلانیت بر دین و اعتلای علوم طبیعی است (ر.ک: هیل و دیگران، ۱۳۶۷، ص ۶۶). اسلام برخلاف سایر ادیان الهی، از تحریف مصون مانده و از جامعیت و جاودانگی ویژه‌ی برخوردار است که پندار چالش آن با عقل قابل‌پذیرش نیست. بر این اساس نوشتار حاضر، تمدن و پیشرفت انسان را نه در اندیشه‌های ذوقی اشخاص و دیدگاه‌های متعدد مکاتب، بلکه در خود بافت و محتوای آئین متعالی دانسته و بدین منظور متن مقدس قرآن را با تبیین آیت‌الله مصباح که از ارجمندترین نظریه‌پردازها در حوزه اسلامی بود، برگزیده است.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

تابه‌حال تلاش‌های بسیاری در دو حوزه‌ی تمدن اسلامی و انسان‌شناسی انجام شده است؛

جدول شماره ۱. سوابق پژوهش در موضوع

تاریخ تمدن اسلام	جرجی زیدان (۱۳۶۹)	با تبیین تمدن و اوضاع مردم عرب پیش از اسلام تا ظهور اسلام و کمی قبل از آن، ثروت مملکت اسلامی، علوم و ادبیات عرب و همچنین نظامات اجتماعی و طبقات مردم و عادات و رسوم اجتماعی و زندگی خانوادگی و تمدن و... پرداخته است.
فرهنگ و تمدن اسلام و ایران	علی‌اکبر ولایتی (۱۳۹۷)	در تلاش است تا با ارائه گزارشی مستند از شکل‌گیری تمدن اسلامی و فرازوفرودهای آن بر پایه منطقی قابل‌درک، زمینه‌های بیداری و خودباوری را در میان مخاطبین فراهم سازد.
انسان در اسلام	آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۱۲ق)	کتابی با محوریت بحث در حوزه تفکر دینی برای تبیین انسان کامل و کمال انسان با بیان دو دیدگاه فلسفی و عرفانی که در طول هم قابل تمیز بوده و امتیاز آنها تابع امتیازشان در هستی‌شناسی است.

ادامه جدول شماره ۱. سوابق پژوهش در موضوع

انسان‌شناسی دینی	حسینی شاهرودی	بررسی مراحل تکوین عوالم وجودی انسان از دیدگاه قرآن با روش انسان‌شناسی دینی. مراحل شش‌گانه مورد بحث عبارت‌اند از: عالم ذر، صلب پدران، رحم مادران، دنیا، عالم برزخ و قیامت.
مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن در تمدن‌سازی تربیت محور (با تکیه بر تفسیر المیزان)	حکیمه حسینی (۱۳۹۶)	با بهره‌مندی از شیوه تحلیل محتوا، به استخراج مبانی ویژه تفسیر المیزان در حوزه انسان‌شناسی و ارتباط آن با تمدن‌سازی پرداخته است.
نقش قرآن در شکوفایی تمدن اسلامی	ساجده العبدلخانی، (۱۳۹۶)	با توجه به اوصاف کلی قرآن و ذکر برخی آموزه‌های حکمی، عقلانی و فلسفی آن، نحوه تأثیرپذیری فیلسوفان اسلامی چون فارابی و ابن‌سینا در ابعاد گوناگون فلسفه را بیان و نشان داده که فلسفه اسلامی، به‌رغم منابع غیر اسلامی، تنها در پرتو تعالیم عقلانی و فلسفی قرآن ویژگی اسلامی را به خود گرفته است.

ضمن ارج‌گذاری به آثار فوق و شایسته تقدیر بودن هر یک، تمایز اثر حاضر چشم‌پوشی از مؤلفه‌های انسان‌شناسانه‌ی مشترک بین اندیشمندان اسلامی و تبیین و بررسی دیدگاه‌های ویژه انسان‌شناسی علامه مصباح یزدی و پیوند آن با مسأله‌ی تمدن‌سازی است. پیش‌فرض پژوهش، شکل‌گیری تمدن بشری بر اساس تربیت انسان و پس از شناخت جامع از او است، براین اساس، مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن و نقش آن در ساخت تمدن نوین اسلامی ارائه خواهد شد.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

در ابتدا مباحث مفهومی مورد اشاره قرار خواهد گرفت و سپس بر مبنای آنها مؤلفه‌های منبعث شده و راهکاری از آنها در حوزه زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی تبیین خواهد گردید.

۲-۱. تمدن

واژه‌ی تمدن از ماده‌ی مَدَنَّ به معنای اقامت گزیدن در جایی است (ر.ک: جوهری، ۱۳۷۶ق، ج

۶، ص ۲۲۰؛ اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۲۸؛ ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۶۸۳؛ ابن منظور، ۱۱۱۴ق، ج ۱۳، ص ۴۰۲). به نظر می‌رسد به شهر از آن جهت مدینه گفته می‌شود که مردم، آن را به‌عنوان مکان زندگی انتخاب می‌کنند. امیرالمؤمنین (ع) با برشمردن اقوامی که تمدن‌هایی را ساخته و سپس مرگ آنان را فراگرفت، فرمودند: «و هزموا [الألوف] بالألوف و عسکروا العساکر و مدنوا المدائن» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۳).

البته این واژه در هیچ‌یک از لغت‌نامه‌های معتبر عرب مشاهده نشده و گویا از واژگان نوظهور است. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین معنای تمدن، شهرنشین شدن و اقامت در شهر است؛ براین اساس این واژه با واژه شهر آئینی هم‌پوشانی داشته و به معنای حسن معاشرت است (ر.ک: جان احمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۴). همچنین رابطه بین تمدن و شهر، رابطه کل و جزء است، نه ظرف و مظروف؛ براین اساس گرچه تمدن از مدینه به معنی شهر گرفته شده است، منتها در اصل، شهر معلول تمدن است و نه علت آن، به طوری که شهر جزء تمدن است (ر.ک: جان برنال، ۱۳۵۴، ص ۸۶)، از این جهت تمدن به معنای خو گرفتن با آداب و اخلاق معنا شده است (معین، ۱۳۶۵: ذیل واژه تمدن). در واقع تمدن، برقراری نظم اجتماعی و جامعه‌پذیری جهت همکاری و تعاون بین انسان‌ها است که زمینه را برای مقبولیت یک فرهنگ فراهم ساخته است، به عبارتی تمدن به معنای زندگی جمعی همراه با پذیرش نظم اجتماعی است که برآیند آن دستیابی به فرهنگ است (ر.ک: دوران، ۱۳۶۵، ص ۱، ج ۳). بر این مبنا، تمدن مجموعه‌ای از امور است که در پیشرفت یک جامعه دارای نقش است. خواه این نقش مرتبط با جنبه‌های فکری، آداب و رسوم و جنبه‌های انسانی باشد، خواه جنبه‌های ظاهری زندگی و در قالب سازه‌ها و اکتشافات باشد؛ به هر ترتیب فرهنگ به هر شکل و گونه‌ای تعریف شود، از مفهوم تمدن خارج نیست.

۱-۱-۲. تمدن و تربیت

با توجه به برخی تعاریف اصطلاحی تقارب معنایی میان تمدن و تربیت امری مشهود به نظر می‌رسد؛ لنینتون تمدن را به معنای مجموعه اعمال و آرائی دانسته که در هر جامعه، افراد از بزرگان فراگرفته و به نسل بعد تحویل می‌دهند (لنینتون، ۱۳۳۷م، ص ۳). فوکوتساوا اندیشمند ژاپنی، ضمن نقد انگاره‌های سطحی از تمدن (در کتاب نظریه تمدن)، بر پالایش معرفت و پرورش فضیلت به

شیوه‌ای اعتلابخش در زندگی تأکید دارد (فوکوتساوا، ۱۳۷۹، ص ۱۱۹). تعاریف دیگر مربوط به تربیت همچون؛ فعال‌سازی و پرورش حالات جسمی، فکری و مغزی انسان، به گونه‌ی مطلوب جامعه سیاسی، محیط و جامعه (دورکیم، ۱۳۷۶، ص ۴۸) یا تلاش مستمر جهت تهذیب کیان وجودی انسان و هدایت آن در جنبه‌های جسمی، روحی، اجتماعی و... (نقیب زاده جلالی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۷)، به شاخص‌های فراگیری، پرورش و تعالی فرد و جامعه در تمدن، نگاه ویژه دارد (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۶). لذا نه تنها تمدن امری بیگانه با تربیت نبوده بلکه امری ملازم با آن نیز می‌تواند به شمار آید.

۲-۲. شناخت نفس

از ارکان اساسی ایجاد و توسعه تمدن به‌ویژه در حوزه تمدن اسلامی و شکل نوین آن، شناخت نفس و شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با آن است. به مقتضای روایت؛ «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است» (جعفر بن محمد (ع)، ۴۰۰، ص ۱۳)، شناخت نفس و امور مرتبط با آن می‌تواند برای انسان شناخت و آگاهی خاصی ارائه داده و وی را با امور بسیار مهم و کلیدی در حیات خود آشنا سازد. شناخت نفس به انسان توانمندی‌ها، ویژگی‌ها و خصائص منحصر به فرد او را یادآوری کرده و یاری می‌دهد تا بر مبنای داشته‌های درونی، استعدادها و توانمندی‌های خود را شکوفا ساخته و وی را در مسیر تعالی بخشی بدان‌ها یاری کند که یکی از آنها رشد و توسعه فردی و سپس تسری آن در حوزه اجتماعی است.

از دیدگاه علامه مصباح واژه نفس، مشابه مشترک‌های لفظی است؛ گرچه اصل معنای لغوی آن یکی است، اما مصادیق مختلفی دارد. گاهی مصداق آن بدن، گاهی روح و گاهی مجموع روح و بدن است. همچنانکه یک مصداق آن، نفس اماره، یک مصداق آن، نفس لوامه و مصداق دیگر آن، نفس مطمئنه است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۳۴). در جهت خودسازی و تهذیب اخلاق و نفس باید هدف مناسب در نظر گرفته شود و پیمودن این راه نیازمند انگیزه‌ای قوی است. انسان برای شناختن هدف، ابتدا باید این امر را مطمح نظر قرار دهد که برای چه آفریده شده و آخرین مرحله‌ای که برای او در نظر گرفته شده است، کجاست؟ سپس باید راهی که او را به این هدف می‌رساند، شناسایی کند. عنوان جامعی که می‌توان برای اهداف و درجات آنها در نظر گرفت سعادت ابدی است که برای مراتب پایین، نجات از عذاب جهنم و برای کسانی که همت بالاتری

داشته درجات عالی بهشت و برای افراد کامل‌تر رضوان الهی (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی؛ ۳/۷/۱۳۹۳). که طبیعتاً این عنوان جامع که تبلور آن در ابدیت آشکار می‌شود نیازمند زمینه‌سازی و ایجاد در حیات دنیوی دارد.

۲-۳. سعادت

جوامع انسانی در طول حیات خود همواره در جست‌وجوی سعادت و خوشبختی هستند و در این موضوع فرقی میان آحاد جامعه با گرایش دینی خاص نیست، گرچه برخی ادیان و مذاهب دایره سعادت را به امر اخروی گسترش داده و صرفاً تک‌بعدی یا تک‌ساحتی به این موضوع نظاره نمی‌کنند. تمدن‌سازی جامعه با سعادت دنیوی و اخروی آن ارتباط مستقیم دارد، زیرا جامعه‌ای که به سوی تمدن حرکت می‌کند نمی‌تواند نسبت به آرمان سعادت‌مندی افراد خود بی‌تفاوت بوده و آن را انکار کند، لذا لازم است تا در مسیر تعالی خود برنامه ویژه‌ای جهت تعالی‌سازی افراد جامعه در نیل به سعادت (دنیوی یا اخروی) ترسیم کند.

سعادت (از سَعَد یا سَعِد) به معنای یُمن و خیر بوده و حالتی است که اقتضای نیکی، فزونی و صلاح دارد در تقابل با شقاوت به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۱۳). این مفهوم گاهی به ذوات، از نظر استعداد و تکوین و گاه به اعمال، از جهت توفیق بر انجام فعل تعلق می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ص ۵، ج ۱۲۷).

در حوزه حیات دنیوی و ارتباط آن با جهان دیگر، قرآن به انسان وعده داده که اگر در زندگی راه الهی را ببیماید، به لذت و سعادت جاودان می‌رسد و او را انذار می‌کند که چنانچه از این راه، منحرف شود، آینده‌ای تلخ و ناگوار در انتظارش خواهد بود. وجود تعبیر سعادت، فلاح، فوز و... بدین معنا است که چون انسان فطرتاً طالب سعادت است، باید به دستورات دینی خود عمل کند، تا به ایده موردنظرش برسد. از دیدگاه قرآن، وجود این گرایش فطری در انسان مورد تأیید بوده و آن را در مسیر تربیتی صحیح انسان جهت می‌دهد (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۸).

همچنین در آخرت نیز همه افراد در یک مقام نیستند. خدای تعالی به برخی بندگان مقامی عنایت فرموده که با سال‌ها تفکر نمی‌توان به عمق آن پی برد که از طفیل وجودشان خیروبرکت به میلیاردها انسان می‌رسد. این مقام عالی‌ترین مقام سعادت است و پایین‌ترین آن نجات انسان از

عذاب و ورود به بهشت است. در فرهنگ اسلامی اولین مرتبه سعادت، ایمان به خداوند است که نصاب سعادت است. قرآن درباره‌ی کسانی که ایمان نداشته و کارهای خوب انجام می‌دهند، می‌فرماید: «أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا» (احقاف / ۲۰) آنچه که در دنیا به دست آوردید همه را در دنیا صرف کردید. هدف نهایی خلقت انسان دارای مراتب است که اولین مرتبه آن نجات از جهنم و ورود به بهشت است، اما مراتب عالی آن با عقل قابل‌درک نیست. براین اساس کم‌ترین اقدام در این راستا حفظ اولین درجه سعادت و ایمان است (نک: بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰/۸/۱۱).

۲-۴. هویت جمعی

داشتن یک هویت واحد و آرمان‌ها و اهداف واحد به همراه تلاش در جهت صیانت از آن می‌تواند در جهت رشد و توسعه اندیشه تمدن ساز مؤثر و حائز اهمیت باشد؛ زندگی انسان تحت تأثیر عوامل گوناگون، همواره به‌صورت اجتماعی بوده است به‌طوری‌که برخی اندیشمندان، اجتماعی بودن را جزو طبیعت انسان دانسته و تعبیر «مدنی بالطبع» را در مورد انسان به‌کاربرده‌اند. به‌هرحال (چه زندگی اجتماعی انسان معلول فطرت او و چه پی‌آمد نیازهای مادی و گرایش‌های عقلانی او باشد) جای تردید نیست که انسان همواره به‌صورت اجتماعی زندگی کرده و بدون آن نه نیازهای مادی‌اش و نه کمالات روحی و معنوی وی تأمین می‌شود. از این‌رو زندگی اجتماعی برای انسان یک ضرورت است (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴ / ۱۲ / ۲۴).

تأثیر جامعه را می‌توان در آموخته‌های فرد جست‌وجو کرد که به دودسته تقسیم می‌شوند؛

الف. آنچه جنبه ابراری داشته و تنها به کار تنظیم حیات جمعی و ارتباطات اجتماعی آمده و در تکوین شخصیت آدمی تأثیر ندارند، مانند: زبان، خط و اعتباریات صرف.

ب. آنچه در تکوین شخصیت آدمی تأثیری کمابیش مهم دارند، و عبارت‌اند از: علوم و معارف حقیقی که امور واقع را توصیف و حقایق و واقعیات خارجی را می‌شناسانند. از این میان، شناخت ارزش‌ها با منشأ نفس‌الأمری و تکوینی، اهمیت زیادی دارد، زیرا در تعیین کمّ و کیف و شیوه ارضای میل‌های فطری، تأثیر چشمگیری دارند. براین اساس جامعه، علاوه بر تأثیر در آموزش و پرورش فرد، در به فعلیت رساندن قوای فطری و روحی، اعم از ادراکی و تحریکی،

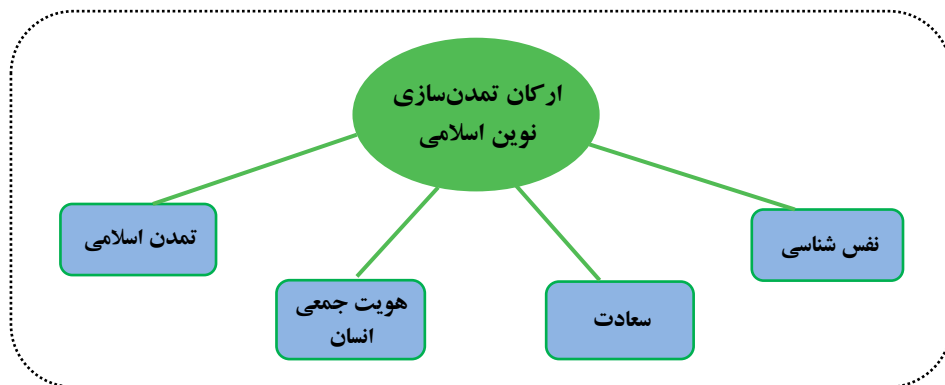
به‌ویژه در ایجاد موضوع برای گرایش‌های فطری و غریزی که جنبه‌ی اجتماعی دارند، سهمی شایان توجه دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، صص ۲۳۶-۱۳۷).

۲-۵. تمدن اسلامی

تمدن‌ها بر پایه کیفیت آفرینش دارای شکل‌های گوناگون و دارای ویژگی‌های منحصر‌به‌فردی هستند که می‌توان به‌وسیله‌ی آن تمدن‌ها را از هم بازشناخت.

در این‌بین، تمدن اسلامی از نوع تمدن‌های یکجانشینی بر اساس حیات دینی و ایدئولوژیک است؛ بر این اساس تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که بنیان آن بر اساس دین اسلام است و دارای مؤلفه‌هایی نظیر؛ دین، اصول دینی، علم، اخلاق، عدالت و... است. در نتیجه تمدن اسلامی، تمدنی ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی است به‌طوری‌که جامعه اسلامی را به‌سوی کمال در این دو حوزه سوق می‌دهد (جان احمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

عده‌ای درصددند تا ایران پیش از اسلام را دارای تمدنی مترقی قلمداد کرده و خود را نیز خلف شایسته‌ی آن فرهنگ پیروز بخوانند و از سوی دیگر ورود فرهنگ اسلام به ایران را مایه تباهی این تمدن باستانی معرفی کرده و به این ترتیب ضربه‌ای به پیکره فرهنگ شیعی ایران وارد سازند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۲). در تحلیل این مطلب به نظر می‌رسد که بی‌توجهی به ارزش‌های اسلامی و نفوذ فرهنگ غربی، در سال‌های اخیر، باعث شده تا از اقبال به سنت‌ها کاسته شده و روح مدنیت موجود در جامعه اسلامی رو به ضعف نهد. البته اگر به ارزش‌های اسلامی و انسانی توجه شده و در جامعه زنده گردند، مردم بار دیگر به آنها توجه کرده و پاره‌ای از مسئولیت‌ها را بر عهده خواهند گرفت. این امر به یک معنا بازگشت به جامعه مدنی اسلامی دارد که برکاتش شامل مردم و کشور خواهد شد و هم دولت را در انجام وظایف ویژه خود کارآمدتر خواهد کرد. ضمن آنکه نباید غربی‌ها و دنباله‌روهای داخلی آنها بر ما منت گذارده که جامعه‌ای مدنی برای ما به ارمغان آورده و اینک درصدد راهنمایی و هدایت ما به سوی تأسیس جامعه مدنی هستند، بلکه باید گفت که در دوران اوج‌گیری تمدن اسلامی بخشی از جوامع غربی نیمه وحشی بوده و فرهنگ و تمدن اسلامی رفته‌رفته آنان را متمدن ساخت و در واقع آنان جامعه مدنی را از اسلام فراگرفتند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲).



شکل شماره ۱. مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

۳. روش پژوهش

روش پژوهش از نوع کیفی و بر اساس شیوه توصیفی و تحلیلی انجام شده است. نوع تحقیق از منظر هدف به صورت بنیادی است به گونه‌ای که نتایج تحقیق در جهت ترسیم مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مؤثر است. تحقیق با تکیه بر روش کتابخانه‌ای و توصیف گزاره‌های متعدد از مصادیق دینی و روش گردآوری داده‌ها با مراجعه به اسناد نوشتاری در کتاب‌ها، مقالات، مجلات و جستار‌گرایی اینترنتی از منابع معتبر است. داده‌پردازی به صورت توصیف موارد ذکر شده به صورت اجمال و تفصیل و نیز تحلیل و بررسی آنها است.

۴. جایگاه مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن در روند تمدن‌سازی نوین اسلامی

علامه مصباح یزدی در حوزه مؤلفه‌های انسان‌شناختی اصیل اسلامی و نقش آنها در تمدن نوین اسلامی به تبیین جایگاه آنها پرداخته‌اند که می‌توان روند ایجاد نقش این مؤلفه‌ها را در لابلای آثار ایشان اصطیاد کرد:

۴-۱. چالش‌ها و عوامل سلوک نفس

چنانچه بیان گردید نفس و معرفت و تقویت آن دارای نقش کلیدی و اساسی در ایجاد و تداوم تمدن در سطوح کلان یک جامعه دارد. درعین حال نفس در مسیر خود با چالش‌ها و عوامل مختلفی روبرو شده که هریک در کیفیت سلوک مسیر تأثیرگذارند.

۴-۱-۱. آسیب‌های بینشی سلوک

در مراحل شناخت (چه هدف و چه راه رسیدن به آن)، انحرافات وجود دارد و حتی در میان کسانی که به خداوند و حتی نوعی خودسازی معتقدند، اشتباهاتی پیدا می‌شود. از دیدگاه علامه مصباح یک راه حق بیشتر نیست و تنها راه انبیا و ائمه اطهار (ص) صحیح است. راه‌های دیگر هر اندازه با این مسیر تطبیق کند، همان اندازه صحیح است، ما نسبت به آخرت، آنچه در روایات و قرآن آمده و راه رسیدن به سعادت از طریق ائمه اطهار (ص) یقین داریم (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۳/۳/۷).

۴-۱-۲. آسیب‌های انگیزی سلوک

علی‌رغم وجود یقین به بسیاری از مسائل با مشکل عدم همت در مقام عمل مواجه هستیم. به‌عنوان نمونه ملاحظه می‌شود که در بسیاری از موارد با علم به درستی و خداپسندی کاری که موجب رضایت خدا و اولیای او است، همت انجام آن را نداشته و عمر را به بطالت گذران می‌کنیم که به نظر می‌رسد سبب این امر عدم باور به خدا، قیامت، نعمت‌های بهشت و عذاب‌های جهنم نبوده و به‌رغم اعتقاد به خدا، قیامت و ارزش بسیاری از اعمال؛ «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ» (سجده/ ۱۷) همت آن را نداشته و در عمل سست هستیم (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۳/۳/۷).

۴-۱-۳. آفت‌های سلوک و راه مبارزه با آنها

علوم انسانی در جهت تأثیرگذاری، بسته به نوع آنها نیازمند تحقق شرایط و لوازم مختلفی هستند؛ زیرا این امکان وجود دارد که موانعی در کار محقق شوند که با وجود علم و مقتضی، از اثرگذاری علم پیشگیری کنند. براین اساس باید بیشتر کوشید تا شرایط تأثیر آن علم و موانع تأثیرش را شناخته و شرایط ایجابی را ایجاد و از شرایط سلبی آن دور شویم تا علم اثر کرده و بتوانیم بدان عمل کرده و به نتایجش برسیم.

۴-۱-۳-۱. غفلت

قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ» و دلیل آن را غفلت معرفی می‌کند؛ «وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف/ ۱۷۹) در آیه ۲۶ سوره ص نیز می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى

فَيْضُكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» در واقع علت جهنمی شدن این افراد انکار قیامت نیست، «بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»؛ بلکه آنها می‌دانستند اما مثل اینکه نمی‌دانستند؛ فراموش کردند. اگر از کسی که چیزی را فراموش کرده، در مورد آن سؤال شود، به یاد آورده و پاسخ می‌گوید، اما زمانی که توجه ندارد، مانند آنست که نمی‌داند و تأثیری در رفتارش ندارد (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۳ / ۳ / ۷).

درمان غفلت

میان توجه دائمی به خداوند تعالی و توجه به کارهای روزمره انسان منافاتی وجود ندارد. قرآن می‌فرماید: رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ (نور / ۳۷) خداوند از مردانی به تحسین یاد می‌کند که پرداختن به تجارت و معامله آنها را از یاد خدا غافل نمی‌کند و منظور هر نوع کسب‌وکار و زندگی است. در واقع مشکل اصلی غفلت و سرگرمی است؛ لَأْتَلْهَكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ (منافقون / ۹). مراد عدم توجه به همسر و فرزندان نیست، بلکه پرداختن به زندگی، زن و فرزند نباید انسان را از یاد خدا غافل کند.

۴-۳-۲. دل‌بستگی به لذت‌های دنیا

دل‌بستگی شدید به لذت‌های دنیوی باعث می‌شود که انسان به‌رغم آگاهی نسبت به خدا، قیامت، حساب‌و‌کتاب، بازهم نتواند آنچنان که باید از معصیت پرهیز کرده و از آن دست بردارد؛ در واقع انسان در دوراهی لذت‌های دنیوی و آخروی، ممکن است دست به انتخابی بزند که پیامدها و آثار متفاوتی را برای وی رقم بزند؛ «فإن القلوب بین إصبعین من أصابع الله یقلبها کیف یشاء ساعه کذا و ساعه کذا» قلب‌ها بین دو انگشت از انگشت‌های خداست و خداوند آنها را عوض می‌کند (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۰۴). مولوی در بیان این تضاد غریب می‌گوید:

چه کسَم من چه کسَم من که بسی وسوسه‌مندم گه از آن سوی کِشندم گه از این سوی کِشندم
(مولانا، ۱۳۸۷، غزل ۱۶۰۸)

درمان دل‌بستگی

علت دل‌بستگی انسان به لذت‌های دنیا آن است که این لذت‌ها، تکرار می‌شوند. شاید فرد در

ابتدا اهمیت ندهد، اما وقتی تکرار شد کم‌کم به آن دلبستگی پیدا کند. راه علاج این آفت کوشش در جهت کاهش این تکرار یا ترک عمدی آن است. خداوند می‌فرماید: **خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا؛** از آن‌ها زکات بگیر تا خودشان را پاک کنی (توبه/ ۱۰۳). در واقع با انفاق که می‌کنند نه تنها مالشان بلکه دلشان نیز پاک می‌شود. با این صدقه‌ای که از آن‌ها می‌گیری خودشان را تزکیه می‌کنی و این باید با اختیار خود انسان باشد که از دلبستگی به لذت‌های دنیا صرف‌نظر کند و برنامه ثابت و تدریجی در این زمینه داشته باشد تا برایش ملکه شود (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۳/۳/۷).

۴-۱-۴. روابط متقابل نفس و عمل

۴-۱-۴-۱. حریفی به نام نفس

امام باقر (ع) خطاب به جابر بن یزید جعفی فرمودند: **«وَتَوَقَّ مُجَازَفَةَ الْهَوَىٰ بِدَلَالَةِ الْعَقْلِ وَ قِفْ عِنْدَ غَلْبَةِ الْهَوَىٰ بِاسْتِرْشَاءِ الْعِلْمِ...»** با راهنمایی عقل، از افتادن در دام هواهای باطل بپرهیز. و به هنگام چیرگی هوای نفس درنگ کن، و از دانشی که داری برای نجات خود ارشاد بخواه» (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۳۶۳ق، ص ۲۸۵). مؤمن در این عالم در حال چالش با نفس است. گاهی بر نفس غالب می‌شود و گاهی هم نفس بر او غالب می‌شود. حضرت می‌فرمایند: برای آنکه در مقابل نفس غافل‌گیر نشوید باید از عقل کمک بگیرید.

از تعبیرات معروف در مورد نفس روایات: **«أعدى عدوك نفسك التي بين جنبيك»** (ورام ابن‌ابی فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۹) است؛ دشمن‌ترین دشمنان انسان، نفس انسان است که در درون او است» در وجود انسان گرایش‌ها و تمایلات مختلفی وجود دارد. این امیال را می‌توان به دودسته تقسیم کرد:

الف. گرایش‌هایی که میل اولی‌شان به صعود است، مانند عشق به حقیقت، عشق به کمال و... کسانی که صفای باطن داشته باشند میل خود به تقرب به سوی الله را درک می‌کنند؛ به این امور که انسان را به تعالی و قرب الی الله دعوت می‌کنند، «عقل» می‌گویند.

ب. تمایلاتی که میل اولی‌شان به نزول است که تمایلات حیوانی هستند که بین انسان و همه حیوانات مشترک‌اند. به آن بخش از وجود انسان که این تمایلات به آن نسبت داده می‌شود «نفس»

می‌گویند. این‌ها دو اصطلاح اخلاقی‌اند که با هم مبارزه می‌کنند (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰/۵/۱۹).

در مقام تطبیق همه این‌ها به قوای یک موجود برمی‌گردد و این موجود، قوا و مراتب وجودی مختلفی دارد و به‌حسب قوای مختلف، اسم‌های مختلفی پیدا می‌کند. گاهی بین این خواست‌ها تعارض و تضاد هست. در این صورت می‌گویند: دو قوه در حال کشتی گرفتن باهم‌اند. نزاع بین نفس و عقل و بین انسان و نفس در اینجا رخ می‌دهد. فعالیت نفس ما را به ارضای تمایلاتش وامی‌دارد که به شرایطی چون اعمال و رفتار ما، کیفیت محیط اطراف و وضعیت فیزیولوژیک ما بستگی دارد. ازاین‌رو به تعبیر روایت، کار نفس کاری گزافی است، برخلاف احکام عقلی که همیشه ضابطه‌منداند؛ عقل برای هر موضوعی حکمی داشته حتی در تضاد بین دو حکم خود، قضاوتی دارد (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰/۵/۱۹).

۴-۱-۲. استمداد از عقل و علم

آنچه می‌تواند انسان را در برابر نفس مقاوم ساخته و تا حدودی از غافلگیری آن در امان بدارد، استفاده از نیروی عقل است. عقل قابل تقویت است و باید احکام آن را فراگرفت و از آن در مقابل تمایلات نفس استفاده کرد. حکم کلی عقل همواره کارساز نیست، براین اساس علاوه بر عقل باید کسب علم شود. امام می‌فرماید: «قِفْ عِنْدَ غَلْبَةِ الْهَوَى بِاسْتِرْشَاءِ الْعِلْمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۶۳)؛ اگر نفس غالب شد و تمایلی را بر تو تحمیل کرد برای آنکه مبتلا به گناه نشوی باید بدانی که ارضای این خواسته جایز است یا حرام؟ زیرا مباحاتی داریم که موافق با هوای نفس است، مثل: استفاده از آب‌وهوای خوب، قدم زدن در کنار دریا و... و ارضای هر تمایلی حرام نیست. پس به‌جز تقویت نیروی عقل، باید از علم استفاده کرده و موارد حلال و حرام، و سقوط و صعود را باز شناخت کرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۳، ص ۹۱).

۴-۱-۳. چالش تشخیص خوب و بد در سیر فرهنگ

در برابر سفارش به انجام عمل صالح ممکن است سؤال شود که هوای نفس یعنی دلخواه. حال چرا دلخواه بد است؟ یا اگر کاری خالصانه انجام نشود مثل کمک به فقیر در عین دوست داشتن طرح نام چه عیبی دارد؟

به نظر می‌رسد که این مسائل حاکی از برخورد میان فرهنگی باشد. از یک‌سو پیروی از هوای نفس در تعبیرات قرآنی در عداد شرک است و در فرهنگ اسلامی باید از آن پرهیز کرد و از طرف دیگر فرهنگی آهسته‌آهسته در نسل جدید رشد کرده که قبح هوای نفس را می‌ریزد یا در پاسخ امر به معروف و نهی از منکر، «دلم می‌خواهد» را مطرح می‌کند (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰/۵/۱۹).

«وَاسْتَبِقِ خَالِصَ الْأَعْمَالِ لِيَوْمِ الْجَزَاءِ» (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۳۶۳ق، ص ۲۸۵)؛ شکر علم آن است که بدان عمل شود، اما عمل باید طوری انجام شود که برای قیامت مفید باشد. شاید کلمه «استبق» اشاره باشد به آنکه بعضی اعمال خیر باید در ظرف خود انجام گیرد که در غیر این صورت باطل است. براین اساس قرآن می‌فرماید: «لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى» (بقره/ ۲۶۴). براین اساس به هنگام انجام کار خیر ابتدا باید احراز علم شود که کاری خوب است و کیفیت آن مرضی خداست، سپس نیتش باید سالم و خالص بوده و پس از انجام باید بر عدم بطلان آن مواظبت کرد (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰/۵/۱۹).

۴-۱-۴. تأثیر‌گذاری ابعاد نفس

نفس مشتمل بر سه بُعد علم، قدرت و محبت یا حبّ نفس است. قدرت و حبّ نفس دو عامل نیرومند در تفصیل علم به نفس بوده و باعث رشد، شکوفایی و بالندگی آن می‌شوند. نفس در مقام اجمال عین علم به نفس است، اما با درآمدن به شکل تفصیلی، علم به قوا، افعال و انفعالات و همه علوم به اشیاء خارجی را در خود تحقّق می‌دهد. بر این اساس چه کسی می‌تواند تأثیر علم و حبّ نفس را در این تحوّل عظیم قدرت انسان و تفصیل عجیب آن از نقطه اجمالی که داشت انکار کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۶، صص ۳۷-۳۸).

۴-۱-۵. نیاز به استاد اخلاق

انسان به سه نوع برنامه نیاز دارد؛ ابتدا اقدامی در جهت عدم غفلت از دانسته‌هایش، سپس برنامه‌ریزی برای تقویت اراده و تلاش برای کاهش دلبستگی‌ها. اینجا است که انسان به استادی نیاز پیدا می‌کند که دارای تجربه باشد. منظور از استاد کسی است که نزد استاد‌های فقیه و عامل

زحمت کشیده و توانایی تشخیص اولویت‌ها در مسائل فردی و اجتماعی و برنامه‌ریزی برای آنها را دارد و این برنامه نباید مزاحم تکالیف واجب انسان باشد (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۳/۳/۷).

۴-۱-۶. تأثیر دوست

گذشته از استاد، دوست مناسب می‌تواند در مسیر سلوک الی الله بسیار مؤثر باشد. در روایتی نقل شده است که «من اراد الله به خیرا رزقه الله خلیلا صالحا (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۷۶)؛ اگر خدا اراده خیر به بنده‌ای داشته باشد، رفیق خوب نصیبش می‌کند. نیز از حضرت عیسی (ع) نقل شده است که در پاسخ به این سؤال که با چه کسی نشست و برخاست کنیم، فرمودند: «من یدکرکم الله رؤیته، و یزید فی علمکم منطقه، و یرغبکم فی الآخرة عمله» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۹)؛ بهترین چیزی که می‌تواند انسان را در مسیر بندگی خدا پیش ببرد و موفق کند، رفیق خوب است. رفیقی که دیدنش شما را به یاد خدا بیندازد، سخن که می‌گوید بر علم شما افزوده شود و رفتارش باعث شود شما به آخرت بیشتر رغبت پیدا کنید. در مقابل، رفیق بد نیز آفت بزرگی بوده و با رفتار و گفتارش انسان را به شیطان، گناه، هوس‌ها و دنیاپرستی دعوت می‌کند.

۴-۱-۷. ضرورت برنامه مطالعاتی

از عوامل مورد توصیه، داشتن برنامه مطالعاتی متناسب با زمان و وظیفه جهت قرائت قرآن، مطالعه احادیث و کتاب‌های اخلاقی است تا ما را به یاد خدا بیندازد. روایات متعددی بر تلاوت دست‌کم پنجاه آیه قرآن در روز تأکید دارند، از امام صادق (ع) روایت است که فرمود: *الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً*؛ قرآن پیمان خدا با مردم است. پس یقیناً برای شخص مسلمان سزاوار است که با دقت در پیمان خویش بنگرد و از آن در هر روز پنجاه آیه بخواند (ابن‌بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۲۷) و چه نیکو آنکه این آیات به شکلی انتخاب شود که با تدبیر خوانده‌شده و باعث توجه و رفع غفلت شوند.

به نظر می‌رسد که نتیجه مجاهدت‌ها و صبر و استقامت اهل بیت (ع)، گنج آموزه‌هایی است از معرفت نفس که تنها آموزه‌های تخصصی از سوی نمایندگان معصومی است که خداوند آنان را به‌عنوان انسان کامل، الگوی شناخت و حرکت انسان به سمت کمال معرفی کرده است. انسان که

خویش را بشناسد، آرام‌آرام به سمت وسعت و قدرت باطنی حرکت کرده، و از کوچک فکر کردن، کوچک آرزو کردن، کوچک زیستن و... رها می‌شود. تنها انسانی می‌تواند آرزوهایی کند که از حصار زمان و مکان خارج است و برای همیشه در تمام خیرات و جریانات حق گذشته و آینده سهیم شود که نه تنها به فهم درستی از خویش رسیده است بلکه با تلاش و جدیت در عمل این فهم را به معرفت تبدیل کرده است.

اساساً فهم آینده و حضور در جریان آینده سازی الهی بدون معرفت نفس ممکن نیست. معرفت نفس، انسان را از زندان زمان و مکان آزاد می‌کند و در جریان اهداف عالی خداوند برای بشر به نقش‌آفرینی می‌رساند؛ نقش‌آفرینی در تمدن سازی توحیدی که معرفت رکن اولیة این جامعه متمدن آرمانی است (نک: <https://media.montazer.ir>).

۴-۲. عناصر رسیدن به سعادت

از جمله خواستگاه‌ها و پیش‌زمینه‌های یک تمدن شوق و تمایل افراد و آحاد یک جامعه جهت نیل به سعادت و کمال است که با قطع نظر از رویکرد به آن (دنیوی صرف یا اخروی) از دغدغه‌مندی‌های مهم در این حوزه بودن و گویی شالوده اصلی اراده‌ها در جهت احیای یک تمدن است. در حوزه بحث تمدن نوین اسلامی عناصری در جهت وصول به سعادت و پیش‌زمینه جهت تمدن آرمانی مورد اشاره قرار گرفته است.

با توجه به آنکه کمال حقیقی انسان در سایه قرب الهی تحقق می‌یابد، می‌توان ایمان به خدای تعالی و ربوبیت تکوینی و تشریحی او که مستلزم اعتقاد به معاد و نبوت است را نهال تکامل حقیقی انسان دانست. طبیعتاً هر کار اختیاری، حرکتی است برای روح انسان به سوی غایت و هدفی که فاعل در نظر گرفته است، براین اساس عدم اعتقاد به عالم ابدی و قرب الهی ندارد مانع از در نظر گرفتن این هدف و جهت‌دهی به رفتار است (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱/۱۳۹۷).

۴-۲-۱. شواهد قرآنی

قرآن نقش بنیادی ایمان در سعادت ابدی انسان را یادآور شده و عمل صالح را به دنبال ایمان و ایمان را به‌عنوان شرط تأثیر اعمال نیک در سعادت اخروی، مورد تأکید قرار داده است؛ «وَمَنْ

يَعْمَلُ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ؛ هر مرد و زنی که کارهای شایسته انجام دهد درحالی که مؤمن باشد، چنین کسانی وارد بهشت خواهند شد» (نور/ ۳۹) از سوی، دوزخ را برای کافران مقرر و اعمالشان را گاه به خاکستر پراکنده تشبیه کرده است؛ «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ» (نور/ ۴۰) (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، صص ۴۴۹-۴۴۸).

۴-۲-۲. نقش اطاعت از پیامبران

اطاعت از انبیاء سعادت دنیا را تأمین می‌کند. اما سعادت جامعه مقدمی و وسیله‌ای است تا به سعادت بیشتری در آخرت برسد (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵/۷/۱۶). حضرت امام (ره) فرمودند: هدف انبیاء حتی اجرای عدالت هم نیست، این هم وسیله است، بلکه هدف معرفت الله است (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، ج ۱۹، ص ۱۱۵؛ سخنرانی در جمع مسئولان نظام، ۶۳/۰۹/۲۰). مطلوبیت عدالت، به جهت پرهیز از ظلم، زندگی آرام و نهایتاً عبادت خداوند است؛ «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ» (نور/ ۵۵). کسانی که عمل صالح داشته باشند، خداوند وعده داده که در دنیا به آنها قدرت می‌دهد: «وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ ناامنی‌ها را از جامعه‌شان برطرف می‌کند، نعمت‌های فراوان آمده و ناامنی‌ها برطرف می‌شود؛ اما برای چه؟ «بَعُدُّونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور/ ۵۵)؛ برای اینکه مردم بتوانند خداپرستی کنند (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵/۷/۱۶).

در کنار این شاخص‌ها می‌توان به مواردی نظیر؛ تأثیر وظیفه شرعی اجتماعی در سعادت شخص (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۷/۷/۱۰)، دعوت‌های الهی (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴/۴/۶)، امر به معروف و نهی از منکر (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۱)، اخلاص و عدالت (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵ / ۱۰ / ۲۷)، ایمان به غیب و وفای به عهد در سعادت فردی و اجتماعی انسان (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۶ / ۲ / ۲) و نقش آنان در سعادت فردی و اجتماعی انسان و بالتبع ایجاد افق روشن در حیطه‌ی تمدن‌سازی اشاره کرد.

۴-۲-۳. حقیقی و فطری بودن سعادت

از گرایش‌های فطری انسان، گرایش به لذت و راحت‌طلبی است که طبعاً، توأم با رنج‌گریزی

و فرار از ناراحتی است. فطری بودن این گرایش بدین معنا است که ساختمان روح و روان انسان به‌گونه‌ای آفریده شده که قادر نیست از لذت، گریزان و رنج را طالب باشد و این امر به‌طور تکوینی در او نهاده شده است. سعادت نیز جدای از لذت نیست و تفاوت ذاتی و ماهوی با آن ندارد. حقیقت سعادت و خوشبختی انسان به لذت دائمی و همه‌جانبه او بازمی‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۸).

به نظر می‌رسد که تمدن شکل زندگی انسان‌هاست و به همین دلیل، سعادت ابدی انسان‌ها تنها در گرو تمدن نیست و رسیدن به سعادت نه در گرو زندگی در ساختمان‌های مجلل و پیشرفت تکنولوژی است و نه در گرو زندگی در خانه خشتی و حقیر. در حقیقت انبیاء برای تغییر محتوای تمدن آمده‌اند و نه شکل آن، لذا محتوای تمدن عبارت است از فرهنگ، که ریشه‌ی آن را باورها و ارزش‌ها تشکیل می‌دهند. بسیاری از افراد و حتی دانشمندان بین تمدن و فرهنگ تفاوتی قائل نیستند، منتها نباید فرهنگ را با تمدن یکی دانست، چراکه یکی مربوط به شکل زندگی جامعه است و دیگری مربوط به محتوای آن زندگی. رویکرد اسلام آن است که به جوامع در هر مرحله‌ای (کاخ‌نشین یا کوخ‌نشین) بیاموزد که چه نگاه و اعتقادی باید داشت و چگونه عمل کرد؛ از این‌رو تمدن اسلامی، به هر تمدنی گفته می‌شود که محتوای اسلامی داشته باشد.

از زمان رسول اکرم (ص) تاکنون تغییرات زیادی در شکل زندگی جوامع انسانی مسلمانان و غیرمسلمانان رخ داده و این تحولات، همان تمدن است که شکلی است، اما محتوا و روح تمدن اسلامی، فرهنگ آن است که در طول دوران‌ها تغییر نمی‌کند. در واقع فضیلت و برتری تمدن‌ها بر یکدیگر به فرهنگ آن جوامع و وجود روح تقوا در آنها بستگی دارد؛ چه‌بسا کشورهایی که از نظر شکلی داری تمدن پیشرفته بوده، خود را متمدن می‌دانند، اما از نظر انسانیت عقب‌افتاده‌اند؛ به‌گونه‌ای که گاه همان چیزی که در اسلام مورد سرزنش قرار گرفته را به‌عنوان افتخار مطرح می‌کنند؛ مانند هواپرستی و توجه به خواسته دل که امری مذموم و ناپسند است، ولی افتخار برخی کشورها که پیشرفت ظاهری هم داشته‌اند.

به نظر اگر تمدنی از نظر شکلی فوق‌العاده پیشرفته باشد ولی درعین حال بر فرهنگ شکم‌بارگی و شهوت‌رانی تکیه کند، این تمدن ارزشی نداشته و از نظر اسلام، عقب‌افتاده است، هرچند از نظر اسلام پیشرفت در امور شکلی تمدن نیز لازم است تا مبادا دست مسلمانان به‌سوی کفار دراز شود،

اما این مسئله‌ای ثانوی است و مطلوب اسلام آن است که روح تقوا بر جامعه حاکم باشد، شکل تمدن به هرگونه و در هر مرحله که باشد چندان اهمیت ندارد. بنابراین، زمانی یک تمدن، تمدنی اسلامی است که زمینه تقوا در جامعه را بهتر و بیشتر فراهم کند (نک: بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۵/۱/۳۰).

۴-۳. شخصیت نوعی و استکمال اجتماعی انسان

جوامع در سایه رشد و توسعه کمالات افراد خود و در تعامل این جامعه با آحاد افراد خود، از روندی متعالی برخوردار خواهد شد که این امر در حوزه‌های متعددی قابل توجه و تأمل است:

۴-۳-۱. ارتباط فرد با جامعه

تأثیراتی که افراد در جوامع داشته و پیش‌بینی می‌شود که در آینده نیز داشته باشند، به پنج نوع قابل تقسیم است:

۴-۳-۱-۱. اعتباریات صرف

پاره‌ای افراد در زمینه‌هایی چون عرف و عادات، ارزش‌های زیبایی‌شناختی و... دست به نوآوری‌هایی می‌زنند که بعدها مورد استقبال و تقلید سایرین واقع شده و شیوع می‌یابد. مبتکران «رسم روز»، شاعران، خطاطان، سینماگران و داستان‌نویسان، از افرادی هستند که می‌توانند تأثیراتی اعم از اینکه از لحاظ اخلاقی خوب یا بد باشد را بر جای نهند.

۴-۳-۱-۲. فنون، صنایع و اختراعات

برخی از افراد از راه ایجاد یا تکمیل اسباب و آلاتی که برای گذراندن زندگی مادی بشر، ضروری یا، حداقل مفید است، در جامعه مؤثر واقع می‌شوند. بر این اساس می‌توان تأثیر صاحبان فنون، صنعتگران، و مخترعان را از تأثیر دانشمندان و کاشفان جدا انگاشت.

۴-۳-۱-۳. علوم و معارف حقیقی

بعضی افراد، مانند دانشمندان علوم طبیعی و تجربی، ریاضی، منطقی، فلسفی و عرفانی، از

طریق کشف و فهم امور واقع و توصیف آنها در جامعه تأثیرگذارند. آنها آنچه را دیگران نمی‌دانند، دریافته و به آنان تعلیم می‌دهند.

۴-۳-۱-۴. اعتباریات واجد منشأ حقیقی (ارزش‌های دینی، اخلاقی و حقوقی)

تأثیر پیامبران، علمای ادیان، عالمان و فیلسوفان اخلاق و حقوق در جامعه، بدین صورت است که ارزش‌های مرتبط با امور حقیقی و واقعیات را به مردم عرضه داشته و از آنان دعوت کرده که زندگی مادی، معنوی، فردی و اجتماعی خود را با آنها سازگار گردانند. درواقع ارزش‌های دینی، اخلاقی و حقوقی، اموری سلیقه‌ای و قراردادی نبوده و تأثیر آنان با تأثیر در زمینه علوم و معارف حقیقی تفاوت بنیادی ندارد، بلکه جداسازی آنها تنها به دو دلیل است؛ ۱. متفکران در مسأله قراردادی نبودن ارزش‌های نام‌برده، اختلاف‌رأی دارند. ۲. اقتباس و تعبد، بیشتر در قلمرو ارزش‌های مذکور پیش می‌آید تا در قلمرو علوم و معارف حقیقی. براین اساس به نظر می‌رسد که فرق میان علوم و معارف حقیقی و ارزش‌های پیش‌گفته نظیر: فرق میان مبادی «برهان» (که یقینی است)، و «جدل» (که مشهور و مسلم است).

۴-۳-۱-۵. قدرت‌های اجتماعی

اساسی‌ترین قدرت اجتماعی، قدرت سیاسی است. قدرت سیاسی گاه «سنتی» یعنی دارای صورت‌های دیرینه و ناشی از عادت باشد یا «تازه به‌دست آمده» و ناشی از رضایت یا ترس مردم باشد که بهترین نمونه قدرتی با پشتیبانی رضایت مردم؛ قدرت انقلابی است؛ یعنی متکی به گروهی که به واسطه عقیده خاص متحد شده و رضایت اکثریت بزرگی از جامعه، آن را تأیید کند. آنچه در همه اقسام قدرت سیاسی مشترک است آن است که؛ اولاً: قدرت‌های سیاسی نیاز به شرایط اعمال حاکمیت دارند؛ ثانیاً: معقول نیست که واجد قدرت سیاسی، تنها با زور مادی، مردم را به جهتی سوق دهد، براین اساس اجبار حاکمیت سیاسی، درواقع، «اکراه» است نه «جبر» حقیقی. ثالثاً: قدرتمندان سیاسی از سه راه عمده، مردم را تحت اقتدار خود قرار می‌دهند؛ ۱. قدرت مادی مستقیم بر جسم مردم. ۲. پاداش و کیفر اقتصادی به‌عنوان انگیزه. ۳. نفوذ در عقیده مردم و تبلیغات. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۰، صص ۲۶۱-۲۶۶).

۴-۳-۲. سالم‌سازی محیط

چنانچه گفته شد تمدن و تربیت دو امر ملازم هم هستند. اسلام در جهت فراهم کردن راهکارهای لازم در این زمینه علاوه بر موظف کردن والدین به تربیت صحیح کودک، تکالیف عام دیگری برای مسلمانان قرار داده تا محیط برخلاف آموزه‌های دینی نباشد.

از جمله این تکالیف امر به معروف و نهی از منکر است که اهمیت فراوان اسلام نسبت به آن چه بسا به این دلیل است که بدون آنها آموختن مفاهیم منجر به حل مشکلی نخواهد شد، بر این اساس از دیدگاه اسلام محیط نیز باید سالم باشد، تا انسان توانایی رسیدن به کمال را داشته و از این رو امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مؤمنین و از مهم‌ترین واجبات در جهت نظم بخشیدن به امور است (ر.ک: هاشمی خویی و همکاران، ۱۴۰۰ق، ج ۲۰، ص ۳۰۲).

۴-۳-۳. نگاه دو ساحتی

اگر فعالیت‌های زندگی دنیا تنها معطوف به منافع دنیوی باشد، این امر صرفاً دنیاخواهی خواهد بود. بر این اساس دنبال کننده حیات باقی، باید نگرش خود را به هستی تغییر دهد و نگاهش به حیات دنیوی، ابزاری باشد.

اگر انسان در محیطی قرار بگیرد که متناسب با اعتقادات او است، باورهایش تقویت شده و اراده‌اش برای رفتار بر اساس آنها بیشتر می‌شود. در غیر این صورت، ابتدا تضادی درونی بین اعتقادات با محیطش ایجاد می‌شود و این تضاد و تحیر به تدریج به نفع افکار عمومی تغییر پیدا می‌کند. بر این اساس تأثیر شرایط محیطی اگر بیش از شناخت آدمی نباشد، کمتر نخواهد بود. از این رو برای ترویج یک ارزش در جامعه، برگزاری کلاس یا مطالعه کتاب کافی نیست؛ بلکه باید محیط نیز برای این امر آماده آید؛ بنابراین اگر اقتضائات محیط برخلاف مقتضیات کتاب، درس، قرآن، حدیث، منبر و موعظه باشد، میان آنها تضاد پیدا شده و در نتیجه برآیند هر دو صفر، یا با غلبه محیط خواهد بود.

با توجه به فرهنگ امروزه در جهان، افراد در امور مربوط به خود آزاد هستند، مگر در مواردی که رفتار آنها منجر به ضرر دیگری گردد که در اینجا قانون مانع می‌شود؛ در اینجا حیطه مکاتب سیاسی بسیار تعیین‌کننده است؛ شاخه‌ای که مبنای آن نگرش ماتریالیستی است و شاخه‌ای که بر

تفکر الهی مبتنی است. به‌عنوان نمونه فلسفه سیاست‌های مبتنی بر گرایش‌های ماتریالیستی این اقتضا را دارد که دولت تنها نسبت به پیشگیری از ضررهای مادی اهتمام داشته باشد، حتی اگر دین رفتاری موجب ضرر دنیوی معرفی کند، دولت مکلف است از آن جلوگیری کند، در غیر این صورت، دولت تکلیفی ندارد. براین اساس دلیل تأکید مقام معظم رهبری بر تحول در مؤلفه‌های علوم انسانی روشن می‌گردد. از دیدگاه ایشان برخی علوم انسانی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، نه‌تنها مخالف اسلام است، بلکه ضد اسلام است و باعث تضعیف دین می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹ / ۷ / ۲۹). بر این اساس دولت اسلامی همان‌گونه که از ضررهای مادی جلوگیری می‌کند، باید از آنچه ضرر معنوی داشته و عذاب ابدی به دنبال دارد پیشگیری کند.

البته ریشه‌های این مسأله باید در دانشگاه حل شود؛ دانشگاهی که علوم انسانی‌اش بر پایه‌ی مؤلفه‌های اسلامی بوده و وظایف دولت‌ش بر اساس مؤلفه‌های اسلامی تبیین شود. درواقع دغدغه‌ی اصلی رهبر معظم انقلاب مبنی بر بنای علوم انسانی بر مؤلفه‌های اسلامی، به دلیل اخلال مؤلفه‌های ماتریالیستی ضد اسلام در برخی علوم که در نتیجه آن دولتمردان در زمینه احکام دین احساس وظیفه نمی‌کنند. درواقع گناه علنی در جامعه مانند میکروبی است که قابلیت سرایت به دیگران را دارد، براین اساس همان‌گونه که دولت موظف در جلوگیری از آلودگی‌های بهداشتی است، باید جلوی مفسد دینی را نیز بگیرد، زیرا بر اساس فرهنگ اسلامی انقلابی خسارت اُخروی ابدی است، درحالی‌که ضررهای دنیوی محدود است (بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۳/۴/۱۲).

بررسی

در حوزه مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن در پیوند با تمدن‌سازی نوین اسلامی از دیدگاه علامه مصباح، چهار محور؛ نفس‌شناسی، سعادت، هویت جمعی انسان و تمدن اسلامی قابل اصطیاد است؛ در بحث نفس‌شناسی و مسیر سلوک و تکامل آن، ارتباط متقابل نفس و عمل و تأثیرگذاری ابعاد نفس در عوامل و موانع سلوک، آسیب‌های بینشی و انگیزشی دارای نقش‌اند. چنانکه در آفت‌های سلوک و راه مبارزه با آنها موضوع غفلت و دل‌بستگی به لذت‌های دنیا و درمان آنها، نیاز به استاد اخلاق، تأثیر دوست و ضرورت برنامه مطالعاتی بسیار حائز اهمیت‌اند. در تقابل نفس و عمل و نزاع انسان با نفس خویش از حریمی به نام نفس یادشده که در چالش تشخیص خوب و بد در سیر فرهنگ و تمدن، استمداد از عقل و علم می‌تواند راهگشا باشد. در مؤلفه‌ی سعادت‌مندی،

نسبی و مرتبه‌ای بودن سعادت و رابطه‌ی سعادت و عمل در قالب عناصر رسیدن به سعادت، شواهد قرآنی، اطاعت از پیامبران و نیز حقیقی و فطری بودن سعادت در حوزه تمدنی دارای نقش بسیار مهمی است.

در بحث هویت جمعی انسان ارتباط فرد با جامعه در ۵ محور، اعتباریات صرف، فنون، صنایع و اختراعات، علوم و معارف حقیقی، اعتباریات واجد منشأ حقیقی (ارزش‌های دینی، اخلاقی و حقوقی) و قدرت‌های اجتماعی مورد توجه بوده و شخصیت نوعی و استکمال اجتماعی انسان، به عوامل اجتماعی سعادت اُخروی، نقش محیط در رفتار انسان، راه‌های سالم‌سازی محیط و نگاه دو ساحتی بستگی دارد.

با توجه به مطالب گذشته به نظر می‌رسد که در حوزه تمدن اسلامی و پیوند آن با مؤلفه‌های انسان‌شناختی، جامعه مدنی اسلامی علاوه بر دو کارکرد؛ جلب مشارکت مردم در امور و بالا بردن توان آنها (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اُمّت) و نیز کاستن بار مسؤولیت‌ها، از ویژگی‌هایی چون: ۱. استیفای حقوق مردم ۲. بهره‌گیری از اندیشه‌ها در تصحیح و بهبود روش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها ۳. جلوگیری از مفاسد اداری و اجتماعی و ممانعت از تعدیات علیه مردم ۴. هدایت و تربیت مردم ۵. انجام تکالیف اجتماعی همچون «النصیحة لائمة المسلمین» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۶۶) و امر به معروف و نهی از منکر و... برخوردار است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، صص ۱۸۲-۱۸۱). (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، صص ۲۸-۱۹؛ ۱۳۹۸، صص ۲۲۷-۲۵۴). چنانچه در امر به معروف مسؤولیت انسان‌ها در قبال یکدیگر و ضرورت نظارت بر رفتار هم، بیانگر واقعیتی است که کمابیش در جامعه‌های متمدن انسانی، با اختلاف مراتب در مدنیت، همواره وجود داشته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ (ب)، ص ۳۰).

اهمیت شناخت این مؤلفه‌ها و باورهای مرتبط با انسان و آشنایی با تأثیر آنها در روند تمدن سازی نوین اسلامی، می‌تواند در ترسیم غایات، محتوای نظام تمدنی و خط‌مشی‌ها، نقش غیرقابل‌انکاری داشته باشد. ضمن آنکه در مقام پالایش و ارزیابی نهایی میزان تأثیر این مؤلفه‌ها، می‌توان از شاخصه‌ی خودارزیابی مداوم یاد کرد؛ خودارزیابی سنجش میزان درستی کارکرد، نسبت به تکالیف و اهداف از پیش تعیین‌شده بر خاستگاه قاعده‌ی خودارزیابی و قانون کلی محاسبه‌ی حاکم بر نظام آفرینش است که شامل انسان نیز می‌شود (رستمی‌نسب، ۱۳۸۹، ص ۳۹۶).

در تمدن نوین اسلامی، مجموعه آداب، رسوم، قوانین و اصول زندگی (فردی و اجتماعی) بر اساس فطرت انسان شکل می‌گیرد تا بدینوسیله بهترین وضعیت را برای شکوفایی استعداد‌های ذاتی انسان فراهم آورده و او را در مسیر توحیدی و تقرب به خداوند پیش ببرد. با توجه به شکل‌گیری جلوه‌های زندگی انسان بر اساس اندیشه توحیدی، نیاز به هماهنگی و مطابقت میان آن دو وجود احساس می‌شود. در این تمدن ارزش انسان با توجه به میزان اطاعت و تقوا ارزش‌گذاری شده است؛ براین اساس آثار و فواید آن در فروکش کردن رقابت‌های سیاسی، احیای کرامت انسانی، پذیرش بار مسئولیت اجتماعی و برطرف شدن معضلات اجتماعی و خانوادگی، تبلور خواهد یافت. بر این اساس تمدن اسلامی، رشد یافتگی بر اساس فطرت و توحید است.

نتیجه‌گیری

تمدن اسلامی، مجموعه آداب، رسوم، قوانین و اصول زندگی بر اساس فطرت انسان است، تا بهترین وضعیت را برای شکوفایی استعدادش فراهم و در مسیر توحیدی پیش برد. بی‌توجهی به ارزش‌های اسلامی و نفوذ غرب، در سال‌های اخیر، باعث کاستن اقبال به سنت‌ها و روح مدنیت در جامعه اسلامی است. در حوزه مؤلفه‌های انسان‌شناختی قرآن در پیوند با تمدن‌سازی نوین اسلامی از دیدگاه علامه مصباح، چهار محور؛ الف. شناخت نفس ب. سعادت ج. هویت جمعی انسان و د. تمدن اسلامی، قابل طرح است. بر این اساس فهم و حضور در جریان آینده‌سازی الهی بدون معرفت نفس ناممکن است، لذا معرفت نفس، رهایی‌بخش انسان از محدودیت مادی و موجب نقش‌آفرینی وی در جریان اهداف عالی خداوند برای بشریت است. در محور سعادت، حقیقت خوشبختی انسان به لذت دائمی و همه‌جانبه است. لذا محتوای تمدن، فرهنگی است که ریشه آن باورها و ارزش‌ها بوده و زمانی تمدن اسلامی محقق می‌گردد که زمینه بهتری در جهت تقوای منجر به سعادت جامعه ایجاد کند. در حوزه استکمال اجتماعی انسان، ارتباط متقابل فرد با جامعه برآمده از آن، تقویت بنیان‌های قدرت اجتماعی، سالم‌سازی محیط اجتماعی با راهکارهای متناسب، می‌تواند به تحقق جامعه مرفقی و متمدن اسلامی کمک شایانی کند. در زمینه تمدن اسلامی نیز توجه به ارزش‌های اسلامی و مراقبت از نفوذ فرهنگ بیگانه، موجب اقبال به سنت‌ها و روح مدنیت در جامعه اسلامی شده که ضمن تجدید حیات جامعه، موجب التفات مردم و مسئولیت‌پذیری آنها و در نتیجه بازگشت به جامعه مدنی اسلامی و ارتقاء آن به تمدن نوین اسلامی خواهد شد.

تشکر و قدردانی:

ابراز نشده است.

تضاد منافع:

نویسنده تضاد منافی اعلام نکرده است.

منابع

- قرآن کریم
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، قم، دار سید الشهداء للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، دارالشریف الرضی للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ق)، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه*، قم، جامعه مدرسین.
- امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۶۸)، *صحیفه نور*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۳)، *ترجمه قرآن (انصاریان)*، قم، انتشارات اسوه.
- بیانات آیت الله مصباح یزدی؛ بهترین و بدترین ها از دیدگاه نهج البلاغه، قم، دفتر مقام معظم رهبری، تاریخ اثر: جلسه هشتم: اخلاص و عدالت، دو پایه سعادت؛ ۱۳۸۵/۱۰/۲۷؛ [https:// mesbahyazdi.ir](https://mesbahyazdi.ir)
- بیانات آیت الله مصباح یزدی؛ جلسه بیست و دوم؛ حدیث معراج؛ دریایی از معارف برای سیر و سلوک؛ ۱۳۹۳/۳/۷؛ [https:// mesbahyazdi.ir](https://mesbahyazdi.ir)
- بیانات آیت الله مصباح یزدی؛ جمع طلاب مرکز جامع علوم اسلامی ولی امر (ع)؛ ۹۵/۱/۲۸؛ [https:// mesbahyazdi.ir](https://mesbahyazdi.ir)
- بیانات آیت الله مصباح یزدی؛ درس اخلاق: پیامبر اعظم (ص) در آینه نهج البلاغه، قم، دفتر مقام معظم رهبری؛ ۱۳۸۵/۷/۱۶؛ [https:// mesbahyazdi.ir](https://mesbahyazdi.ir)

- بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی؛ درس‌های اخلاق سال تحصیلی ۹۲-۹۳ (تواصی به حق)، قم، دفتر مقام معظم رهبری، جلسه سوم؛ تأثیر وظیفه شرعی اجتماعی در سعادت شخص؛ ۱۳۹۷/۷/۱۰؛ <https://mesbahyazdi.ir>
- بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی؛ درس‌های اخلاق سال تحصیلی ۹۲-۹۳ (محبت خدا)، قم، دفتر مقام معظم رهبری، جلسه بیست‌وهشتم؛ عوامل اجتماعی سعادت اخروی و وظایف دولت؛ ۱۳۹۳/۴/۱۲؛ <https://mesbahyazdi.ir>
- بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی؛ درس‌های اخلاق سال تحصیلی ۹۵-۹۶؛ عوامل ترقی و انحطاط انسان در آینه داستان‌های قرآن، قم، دفتر مقام معظم رهبری، جلسه بیست‌ودوم؛ جایگاه ایمان به غیب و وفای به عهد در سعادت فردی و اجتماعی انسان؛ ۱۳۹۶/۲/۲؛ <https://mesbahyazdi.ir>
- بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی؛ درس‌های اخلاق: نخواستار دل‌تنگی (شرح دعای ۴۵ صحیفه سجاده‌یه)، قم، دفتر مقام معظم رهبری، جلسه نهم؛ دعوت‌های الهی؛ اسباب سعادت؛ ۱۳۹۴/۴/۶؛ <https://mesbahyazdi.ir>
- بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی؛ درس‌های اخلاق: شرح نصایح امام محمدباقر (ع)، قم، دفتر مقام معظم رهبری، جلسه هشتم؛ فایده عمل خالص؛ ۱۳۹۰/۵/۱۹؛ <https://mesbahyazdi.ir>
- بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی؛ دیدار با طلاب مدرسه علمیه رشد در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۳۹۵/۱/۳۰؛ <https://media.montazer.ir>
- بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی؛ راه رویش، قم، دفتر مقام معظم رهبری، جلسه هفتم: بندگی خدا؛ راه سعادت انسان؛ ۱۳۹۰/۸/۱۱؛ <https://mesbahyazdi.ir>
- بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی؛ شرح دعای مکارم الاخلاق؛ درس‌های اخلاق سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸، قم، دفتر مقام معظم رهبری؛ ۱۳۹۷/۷/۱.
- بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی؛ قم، دفتر مقام معظم رهبری، قم، جلسه بیست‌وسوم؛ عوامل و موانع سلوک. ۱۳۹۴/۳/۶؛ <https://mesbahyazdi.ir>
- بیانات آیت‌الله مصباح‌یزدی؛ ولایت فقیه و خبرگان، همایش ولایت فقیه و خبرگان رهبری - میناب؛ ۱۳۸۴/۱۲/۲۴؛ <https://mesbahyazdi.ir>
- بیانات مقام معظم رهبری؛ دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹؛ <https://khamenei.ir>

- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، تهران، دنیای دانش.
- جعفرین محمد (ع)، ۱۴۰۰ق، *مصباح الشریعه*، بیروت، اعلمی.
- حسینی (حکیمه)، مبانی انسان‌شناختی قرآن در تمدن‌سازی تربیت محور (با تکیه بر تفسیر المیزان)، ۱۳۹۶، *نشریه پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی*، شماره ۱، صص ۸۵ تا ۱۰۸.
- خبرگزاری مهر؛ <https://www.mehrnews.com>
- رستمی نسب، عباسعلی (۱۳۸۹)، *فلسفه تربیتی ائمه اطهار (ع)*، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه (للصبحی صالح)*، قم، هجرت.
- العبدالخانی، ساجده (۱۳۹۶)، نقش قرآن در شکوفایی تمدن اسلامی، *فصلنامه قرآنی کوثر*، پیاپی ۶۰.
- علی بن الحسین (ع) (۱۳۷۶)، *الصحیفة السجادیة*، قم، دفتر نشر الهادی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی (ط - الإسلامیة)*، تهران، دارالکتب الإسلامیة، تهران.
- مجموعه‌ی تحت وب از آثار سخنسرایان پارسی گو؛ <https://ganjoor.net>
- مدافع امامت، دفاع از حریم اهل‌بیت علیهم‌السلام؛ اثبات حقانیت شیعه، پاسخ به شبهات؛ <https://modafeemamat.blog.ir>
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳)، *به سوی او*، محقق: محمد مهدی نادری قمی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)، *آموزش عقاید*، قم، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰)، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ الف)، بزرگ‌ترین فریضه، تحقیق و نگارش: قاسم شبان‌نیا، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ ب)، آفتاب مطهر: زندگی، اندیشه و خدمات علمی و فرهنگی علامه شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، تدوین و نگارش غلامرضا گل‌زواره، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ ج)، به پیشواز خورشید غرب، گزارش سفر آیت‌الله مصباح یزدی به اسپانیا و آمریکای لاتین، تدوین و نگارش: مرتضی موسی‌پور، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷)، رابطه علم و دین، تحقیق و نگارش: علی مصباح، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸)، فلسفه‌ی سیاست (سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی)، نویسنده: قاسم شبان‌نیا، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تدوین و نگارش: قاسم شبان‌نیا، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳)، جرعه‌ای از دریای راز، تدوین و نگارش: محمدعلی محیطی اردکان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴)، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴)، پاسخ استاد به جوانان پرسش‌گر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۸۷)، غزلیات شمس تبریز، مقدمه، گزینش و تفسیر: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات سخن.

- ورام بن ابی فراس (۱۴۱۰ق)، مسعود ابن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله؛ حسن‌زاده آملی، حسن و کمره‌ای، محمدباقر (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه و تکملة منهاج البراعه (خوئی)، تهران، مکتبه الإسلامیه.
- هیل، استفن و دیگران (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی حسن پویایی، تهران، چاپ پخش.

References

- Holy Quran
- Ali ibn al-Hossein (peace be upon him) (1376). *Sahifa Sajjadiya*, Qom, Hadi Publishing Office.
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1407 AD), *Al-Kafi (Islamic Edition)*, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran.
- Ansarian, Hussein (1383). *Translation of the Quran (Ansarian)*, Qom, Asvare Publications. [In Persian]
- Collection of web works of Persian-speaking poets; <https://ganjoor.Net>. [In Persian]
- Defender of Imamate, Defense of the Sanctity of the Ahl al-Bayt (peace be upon him). Proof of the Authenticity of Shia | Response to Doubts; <https://modafeemamat.blog.ir>. [In Persian]
- Hashemi Khoi, Mirza Habibullah; Hassanzadeh Amlı, Hassan and Kamarei, Mohammad Baqer (1400 AD), *Minhaj al-Bara'ah fi Sharh Nahj al-Balaghah and Takmila Minhaj al-Bara'ah (Khoi)*, Tehran, Islamic Library.
- Hill, Stephen, and others (1367). *Comprehensive Sociology Dictionary*, translated by Hassan Pouyayi, Tehran, Pakhsh Publication.
- Abi Jomhoor, Mohammad ibn Zain al-Din (1405 CE). *Awali al-La'ali al-Aziziyya fi al-Ahadith al-Diniyya*, Qom, Dar Sayyid al-Shuhada for Publication.
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (1385). *'Ilal al-Shara'i*, Qom, Dauri Bookstore.
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (1406 CE). *Thawab al-A'mal wa 'Iqab al-A'mal*, Qom, Dar al-Sharif al-Radhi for Publication.

- Ibn Shu'bah Harrani, Hasan ibn Ali (1363 CE), *Tahaf al-'Uqul 'an Aal al-Rasul Salla Allahu 'alayh*, Qom, Jami'at al-Mudarrisin.
- Imam Khomeini(may God rest his soul). Sayyid Ruhollah Musavi, Imam Khomeini(may God rest his soul), Seyyed Ruhollah Mousavi (1368), Nour newspaper, Tehran, *Islamic Revolution Cultural Organization*. [In Persian]Documents
- Mehr News Agency; <https://www.mehrnews.com>. [In Persian]
- Molana, Jalal-ud-Din Mohammad Balkhi (1387). *Ghazaliyat-e Shams Tabriz*, Introduction, Selection and Interpretation: Mohammad Reza Shafiee Kadkani, Tehran, Sokhan Publications. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1368). *Society and History from the Perspective of the Quran*, Tehran, Islamic Propagation Organization. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1376). *Ethics in the Quran*, Researched and Compiled by Mohammad Hossein Eskandari, Qom, Imam Khomeini(may God rest his soul) Educational and Research Institute. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1383). *Towards Him*, Researched by Mohammad Mehdi Nadri Qomi, Qom, Publications of the Imam Khomeini(may God rest his soul) Education and Research Institute. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1384). *Teaching Beliefs*, Qom, International Publishing and Printing Company of the Islamic Propagation Organization. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1390). *Society and History from the Perspective of the Quran*, Qom, Publications of the Imam Khomeini(may God rest his soul) Education and Research Institute. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1391). *Questions and Answers*, Qom, Publications of the Imam Khomeini(may God rest his soul) Education and Research Institute. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1391a). *The Greatest Duty*, Researched and Compiled by Qasim Shabaninia, Qom, Publications of the Imam Khomeini(may God rest his soul) Education and Research Institute. [In Persian]

- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1391b). *Holy Sun: Life, Thought and Scientific and Cultural Services of Martyr Ayatollah Morteza Motahhari*, Edited and Compiled by Gholamreza -Golizavareh, Qom, Publications of the Imam Khomeini(may God rest his soul) Education and Research Institute. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1391c). *On the Brink of the Western Sun*, Report of Ayatollah Musbah Yazdi's Trip to Spain and Latin America, Edited and Compiled by Morteza Mousapour, Qom, Publications of the Imam Khomeini(may God rest his soul) Education and Research Institute. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1392). *The Islamic Revolution and Its Roots*, Edited and Compiled by Qasim Shabaninia, Qom, Publications of the Imam Khomeini(may God rest his soul) Education and Research Institute. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1393). *A Drop from the Sea of Secrets*, Edited and Compiled by Mohamad Ali Mahiti Ardakani, Qom: Imam Khomeini(may God rest his soul) Education and Research Institute. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1394). *Ethics in the Quran*, Researched and Compiled by Mohammad Hossein Eskandari, Qom, Publications of the Imam Khomeini(may God rest his soul) Education and Research Institute. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1394). *Teacher's Response to Inquisitive Youth*, Qom, Publications of the Imam Khomeini(may God rest his soul) Education and Research Institute.
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1397). *The Relationship between Science and Religion*, Researched and Compiled by Ali Masbah, Qom, Publications of the Imam Khomeini(may God rest his soul) Education and Research Institute. [In Persian]
- Musbah Yazdi, Mohammad Taqi (1398). *Philosophy of Politics (Islamic Thought Foundations Series)*, Author: Qasim Shabaninia, Qom, Publications of the Imam Khomeini (may God rest his soul) Education and Research Institute. [In Persian]
- Payande, Abulqasem (1382). *Nahj al-Fasahah*; Collection of the Short Sayings of the Prophet (PBUH), Tehran, Dunya-e Danesh Publishers. [In Persian]
- Ja'far ibn Muhammad (peace be upon him), 1400 AD, *Masbah Al-Shari'ah*, Beirut, Aalami.

- Husseini (Hakimah), Basic Human Foundations in the Quran in Civilization-Centered Education (with an emphasis on Al-Mizan interpretation), 1396, *Journal of Modern Islamic Civilization Studies*, No. 1, pp. 85 to 108. [In Persian]
- Rostami Nasab, Abbasali (1389). *Educational Philosophy of the Imams of the Ahl al-Bayt (peace be upon him)*, Kerman, Shahid Bahonar University. [In Persian]
- Sharif al-Razi, Muhammad ibn Hossein (1414 AD). *Nahj al-Balagha* (by Sobhi Salih), Qom, Hijrat.
- Al-Abdulkhani, Sajida (1396). *The Role of the Quran in the Flourishing of Islamic Civilization*, Kawsar Qur'anic Quarterly, No. 60. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Explanation of Supplication Makarim al-Akhlaq; Moral Lessons for the Academic Year 1397-1398, Qom, Office of the Supreme Leader; 1/7/1397; [link; <https://media.montazer.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Gathering of Students at the Center for Comprehensive Islamic Sciences of Guardian (peace be upon him); 28/1/1395; [link; <https://mesbahyazdi.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Guardianship of the Jurisprudent and Religious Experts, Wilayat al-Faqih and Religious Experts Conference - Minab; 24/12/1384; [link; <https://media.montazer.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Lesson in Ethics: The Greatest Prophet (PBUH) in the Mirror of Nahj al-Balagha, Qom, Office of the Supreme Leader; 16/7/1385; [link; <https://mesbahyazdi.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Meeting with Students of Roshd Theological School at the Educational and Research Institute of Imam Khomeini(may God rest his soul) 30/1/1395; [link; <https://media.montazer.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Moral Lessons for the Academic Year 92-93 (Responsibilities to the Right), Qom, Office of the Supreme Leader, Third Session; The Influence of Social and Legal Duties on Personal Happiness; 10/7/1397; [link; <https://mesbahyazdi.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Moral Lessons for the Academic Year 92-93 (Love for God), Qom, Office of the Supreme Leader, Twenty-Eighth Session; Social Factors of Ultimate Happiness and Governmental Duties; 12/4/1393; [link; <https://mesbahyazdi.ir>]. [In Persian]

- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Moral Lessons for the Academic Year 95-96; Human Progress and Decline in the Mirror of Quranic Stories, Qom, Office of the Supreme Leader, Twenty-Second Session; The Role of Faith in the Unseen and Loyalty to the Covenant in Personal and Social Happiness; 2/2/1396; [link; <https://mesbahyazdi.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Moral Lessons: Explanation of Imam Muhammad Baqir's (peace be upon him) Counsel, Qom, Office of the Supreme Leader, Eighth Session: Benefits of Sincere Deeds; 19/5/1390; [link; <https://mesbahyazdi.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Moral Lessons: Longing Whispers (Explanation of Supplication 45 from Sahifa Sajjadiyya), Qom, Office of the Supreme Leader, Ninth Session; Divine Invitations; Means of Happiness; 6/4/1394; [link; <https://mesbahyazdi.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Path of Growth, Qom, Office of the Supreme Leader, Seventh Session: Servitude to God; Path to Human Happiness; 11/8/1390; [link; <https://media.montazer.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; Qom, Office of the Supreme Leader, Twenty-Third Session; Factors and Obstacles of Spiritual Journey; 6/3/1394; [link; <https://media.montazer.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; The Ascension Hadith; a Sea of Knowledge for Travel and Spiritual Journey; 7/3/1393; [link; <https://mesbahyazdi.ir>]. [In Persian]
- Statements of Ayatollah Mesbah-Yazdi; The Best and the Worst from the Perspective of Nahj al-Balagha, Qom, Office of the Supreme Leader, Date of Work: Eighth session: Sincerity and Justice, Two Principles of Happiness; 27/10/1385; [link; <https://mesbahyazdi.ir>]. [In Persian]
- Statements of the Supreme Leader; Meeting with Students, Dignitaries, and Scholars of the Qom Theological School, 29/7/1389; [link; <https://media.montazer.ir>]. [In Persian]
- Waram bin Abi Firas (1410 AD), Mas'ud ibn Isa, *Tanbih Al-Khawatir and Nazhat Al-Nawazir known as the Collection of Waram*, Qom, Faghil Library.